

دستورگرایی از منظر شهید بهشتی در پرتو نظریه امت و امامت

علی مشهدی^۱

آیت الله جلیلی مراد^۲

دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۰

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۵/۱۴

چکیده

دستورگرایی یا قانون اساسی خواهی جریانی بود که در یکصد سال اخیر در کشورهای بسیاری تجربه گردید. در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به دنبال تصویب قانون اساسی سال ۱۳۵۸ برخی از شخصیت‌ها از جمله شهید بهشتی، تأثیر بسیاری در فرآیند و محتوای دستورگرایی داشتند. در این میان علاوه بر اینکه از لحاظ فرآیند تصویب متن قانون اساسی، ایشان در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی حضور داشتند، از لحاظ محتوایی نیز قانون اساسی ایران تحت تأثیر نظریه امت و امامت برآمده از دیدگاه ایشان بود. در این مقاله سعی شده است ضمن بررسی قانون اساسی خواهی از منظر شهید بهشتی، برخی از ابعاد مولفه‌های تأثیراندیشه ایشان، در چارچوب نظریه امت و امامت تحلیل و ارزیابی شود. مهمترین یافته این پژوهش، تأثیری است که شهید بهشتی با طرح نظریه امت و امامت در جریان تدوین قانون اساسی ایران داشته است.

واژگان کلیدی

قانون اساسی، دستورگرایی، شهید بهشتی، نظریه امت و امامت

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی و بین الملل دانشگاه قم. Mashadiali@qom.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه قم

مقدمه

شهید بهشتی از جمله شخصیت‌های کم‌نظیری بود که خدمات زیادی را برای بنا نهادن جمهوری اسلامی ایران انجام داد و در این راه مبارزه و مجاهدت‌ها نمود. برخی معتقدند او بی جایگزین بود. (رضوی، ۱۳۸۶، ۳) ایشان در پایه‌ریزی و طرح نظریه امت و امامت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نقض بسیار مهمی را ایفاء نمودند.

شهید بهشتی معتقد بود که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید با این مسئله شروع شود و مشخص نماید که این قانون اساسی برای چه روش حکومتی است و چرا روش حکومت در ایران جمهوری اسلامی است. از دید ایشان «دلیل التزام این مجلس و کارهای آینده آن این است که این نظام ثمره انقلاب خونین مردم ما می‌باشد و در آرمان‌ها و عقاید ملت ما ریشه دارد. این دلیل اول آن است. همچنین خونبهای شهیدان فراوان و عزیز و آسیب‌دیدگان فراوان و ثمره زنج‌ها و تلاش‌های مداوم یک ملت ستمدیده و محروم و زیر فشار است که مبارزه و فداکاری‌هایش سابقه‌ای بس دیرینه دارد و مرحله‌ی نهایی‌اش در سال‌های اخیر از پانزده خرداد ماه یک‌هزار و سیصد و چهل و دو تا کنون شکل و اسلوب ویژه برجسته خودش را داشته و تجلی نهایی‌اش در حالت انقلابی گسترده‌ی دو سال اخیر بوده است». (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ۱۹۷-۱۹۶)

همچنین وی معتقد بودند که این سند اصالت نظام جمهوری اسلامی می‌باشد و دوم اینکه آراء ملت ایران در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه سال یک‌هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری قمری تجلی آماری اصالت نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ۱۹۷) در جریان تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برخلاف دوره‌ی مشروطه که در بین رهبران فکری و اندیشمندان جامعه، فکر و اندیشه مابینت قانون و قانون‌گذار با شریعت کما بیش وجود داشت، رویکرد مثبت اندیشه‌ی قانون‌گرایی در رهبران فکری جامعه به خصوص شهید بهشتی به خوبی نمایان است و به همراه همفکران خود تمام توجه خود را معطوف به تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه آموزه‌های اسلامی معطوف داشتند. در مورد رویکرد حقوق اساسی شهید

بهشتی، بویژه نظریه امامت و امامت آثار حقوقی اندکی وجود دارد و تنهایی توان به برخی از آثار در سالهای اخیر اشاره نمود. (نیکونهاد، ۱۳۹۴) در ادامه سعی خواهیم کرد ضمن اشاره به جایگاه دستور‌گرایی (قانون اساسی خواهی) در اندیشه شهید بهشتی به بررسی و ارزیابی تأثیر نظریه امت و امامت بپردازیم.

الف. دستور‌گرایی (قانون اساسی خواهی) از منظر شهید بهشتی

پس از انقلاب اسلامی، بسیار برای به ثمر رسیدن این نهضت عظیم سختی‌های زیادی متحمل شدند و سال‌ها درباره‌ی نظام آرمانی به مطالعه و مباحثه پرداختند تا سرانجام توانستند دست بر تدوین قانون اساسی بزنند. نظر شهید بهشتی راجع به قانون اساسی با توجه به گفتگوی رسانه‌ای که قرار بود در فردای آن روز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام شود، بر این باور استوار بود که «قانون اساسی برپایه‌ی رأی قاطع مردم که نوع حکومت ایران، جمهوری اسلامی است تهیه شده و همه‌ی مطالب هم در همین دو کلمه جمهوری اسلامی است. جمهوری بودن هم یعنی این قانون در جهت تأمین منافع و مصالح جمهور، یعنی توده مردم باشد» (بهشتی، ۱۳۹۰، ۳۱) با توجه به این فرمایش ایشان قانون اساسی قانونی است که مصلحت همه افراد ملت ایران را به صورت جمعی مدنظر دارد. و به منافع همه گروه‌ها و اقشار با توجه به قانون توجه داشته است.

قانون اساسی کلیاتی دارد که خطوط کلی قانون را برای جامعه تبیین می‌نماید. و در مورد حقوق و آزادی افراد از جمله (آزادی قلم، آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی‌های افراد در حد اعلاء و...) با یکدیگر به طور مفصل پرداخته است. و حدود آن را مشخص نموده است.

شهید بهشتی علی‌رغم همه گرفتاری و اشتغال فراوان در مراحل پیروزی انقلاب اسلامی داشت در تدوین قانون اساسی نقش به‌سزایی داشت. هر چند در این به عنوان نائب رئیس خبرگان قانون اساسی بود ولی مشروح مذاکرات به خوبی نمایانگر این مطلب است که مدیریت محوری و تصویب اصول عمده اساسی قانون اساسی به عهده ایشان بود. اصولی از جمله اصل پنجم (ولایت فقه) اصل پنجاه و ششم (درباره حاکمیت ملی)، حمایت‌های

همه جانبه‌اش از اصل ششم و هفتم که در ادامه درباره‌ی تأثیر این اندیشمند بزرگ بر تدوین آن‌ها توضیح خواهیم داد.

در مورد قانون اساسی که در حقیقت آینده ملت ایران را ترسیم می‌نمود، بر این باور بود که قانون اساسی آینده ما، قبل از هر چیز باید زیربنای فکریش مشخص شود. و اینکه حتماً این زیربنا باید اسلامی باشد حرکت‌آفرین و انقلاب‌آفرین، اسلام توحید و اسلام انسان متعالی باشد. (بهشتی، ۱۳۹۰، ۳۱)

در مورد کیفیت تشکیل مجلس مؤسسان برای بررسی و تصویب قانون اساسی نظرشان این بود با توجه به اینکه قانون اساسی یک مجموعه‌ای است که مسائل مختلف اعم از حقوقی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... را دارد. نمی‌شود از تک‌تک افراد مستقیماً نظر خواست و طبعاً باید از طریق صاحب‌نظران و افراد خبره و مطلع و با سابقه در زمینه قانون اساسی که مورد اعتماد ما باشند باید نظر خواست، زیرا با بهره‌گیری از این روش که سابقه طولانی در دنیا دارد. مردم می‌توانند خود صاحب‌نظر و خبره‌ای که مورد قبول و اعتماد آنهاست انتخاب نمایند و بعد از صاحب‌نظرانی که به مجلس راه یافتند می‌خواهند که درباره تک‌تک موارد و اصول قانون اساسی بحث کنند. پس از آن بر طبق آراء اکثریت نمایندگان منتخب مردم مورد تأیید را گرفت و بعد از آن از طریق رفراندوم مورد تأیید اکثریت مردم قرار می‌گیرد. ولی ایشان در طی سخنرانی مطبوعاتی که داشتند بیان داشتند که این روش دارای مشکلاتی می‌باشد که به صورت مختصر به آن‌ها اشاره خواهیم نمود.

۱. چون قانون اساسی یک بعدی نیست، و دارای ابعاد مختلف است. از جمله اینکه بعد ایدئولوژیک دارد. و افراد منتخب مردم در همه‌ی ابعاد و صاحب‌نظر نیستند. و به طوری که نمی‌شود در زمینه‌ای بگوییم عده‌ای از خبرگان با اکثریت اظهار نظر کردند.

۲. مشکل دوم اینکه قانون اساسی مجموعه‌ای بزرگ می‌باشد. معمولاً ممکن است بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ و یا بیشتر ماده و اصل داشته باشد و در مجلس مؤسسان بزرگی که بیش از سیصد و چهار و صد نفر صاحب‌نظر تشکیل می‌شود باعث می‌شود که این افراد درباره تک‌تک مواد بحث کنند که همین باعث طولانی شدن تصویب قانون اساسی است.

۳. مشکل سوم این است که، نمایندگان که مردم برای شرکت در مجلس مؤسسان انتخاب می‌نمایند. چهره‌های مشهور و مورد قبول مردم باشند ولی دارای تخصصی چندانی در این زمینه (تصویب و تدوین قانون اساسی) نداشته بلکه به علت اینکه یک سری خدماتی که به مردم شهرداده است در میان مردم معروف شده و توسط مردم انتخاب شده است.

۴. مشکل چهارم این است که عده‌ای جمع می‌شوند و می‌خواهند درباره یک مطلب نظر دهند ولی هر کدام از آن‌ها نظری دارد و می‌خواهند آن را تصویب نمایند. معجونی از نظرات آن‌ها (که هر جمله‌اش را یک نفر پیشنهاد داده) تنظیم کرده و بعد از آن اصرار کرده که دیگران قبول کرد و به تصویب برسانند. (بهشتی، ۱۳۹۰، ۲۵)

اینها مشکلاتی بودند که در تصویب یک متن، مجلس مؤسسان جوامع با آن روبه‌رو بودند و در این یک قرن اخیر موانعی که سابقه تهیه و تصویب قانون اساسی داشتند. قانون اساسی آن‌ها را عده‌ای از صاحب نظران آن‌ها که هر یک از آن‌ها در زمینه‌ای تخصص داشته دور هم جمع شد و نوشتند. و بعد از آن به صورت همه‌پرسی به فراندوم گذاشتند.

و در حقیقت معنی فراندوم این است که ای مردم ایران، فرانسه و... درباره‌ی قانون اساسی آینده‌تان رأی دهید و اظهار نظر کنید. (بهشتی، ۱۳۹۰، ۲۵)

همچنین در مورد قانون اساسی ایران بیان نمودند «ما فکر کردیم با همه مشکلاتی که قبلاً خبر داشتیم، از همان راه سابقه دارتر برویم. همچنان که می‌بینیم در ایران همه گروه‌های سیاسی زیاد یا برخی از رهبران اجتماعی و رهبران مذهبی و گروه‌های مذهبی هم طرفدار همین روش هستند و می‌گویند که قانون اساسی باید از طریق مجلس مؤسسان به تصویب برسد». (بهشتی، ۱۳۹۰، ۲۶) ولی با توجه به مشکلاتی و نارسایی‌هایی که عرض شد که ما انتخاب مجلس مؤسسان را اعلام نماییم. و بگوییم هر صد هزار نفر یک نماینده انتخاب نماید. با این اوصاف باید در مجلس آینده مؤسسان شاهد ۳۵۰ تا ۳۶۰ نماینده منتخب باشیم. (بهشتی،

ب. نظام امت و امامت از منظر آیت‌الله بهشتی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب نظام امت و امامت توسط مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به عنوان سند عالی سیاسی و حقوقی برای ملت ایران تدوین شد. و این سند حقوقی تحت تأثیر نظریه امت و امامت نضج یافت. (ر.ک: نیکونهاد، ۱۳۹۴)

۱- ویژگی‌های نظام امت و امامت از دیدگاه شهید بهشتی

در اندیشه شهید بهشتی، نظام سیاسی مورد نظر شهید بهشتی در دوران غیبت نظام امت و امت است، در ادامه به ویژگی‌های این نظام مطلوب از دیدگاه شهید بهشتی اشاره خواهیم نمود.

۱-۱- وحیانی و مکتبی بودن

از مهم‌ترین شاخص‌های نظام سیاسی اسلام، مکتبی بودن آن است و این مکتب، مکتب اسلام است که در این نظام باید تمامی قوانین بر طبق موازین مکتب باشند. این ویژگی مندرج در اصل چهارم کنونی قانون اساسی ما می‌باشد. بر طبق این اصل کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و... باید بر اساس موازین اسلامی تنظیم شود. این اصل بر اطلاق و عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر که احکام بر طبق شرع باشند با فقهای شورای نگهبان می‌باشد. شهید بهشتی در خصوص مکتبی بودن نظام سیاسی این چنین بیان نمودند که از نخستین ویژگی نظام سیاسی اسلام این است که نظامی است مکتبی و متعهد در برابر مکتب. هر کس این مکتب را پسندید، دوست داشت و به آن دل بست، بیاید و هر کسی به آن دل نبست نیاید، ولی نظام مکتبی است». (بهشتی، ۱۳۹۰، ۴۲) و دیگر اینکه در نظام سیاسی، امت و امامت اصول کلی و عملی اسلام بر اساس کتاب و سنت است و همه چیز باید از این رأس و قله گرفته شود. و صاحبان اصلی در این نظام مردمند. (بهشتی، ۱۳۹۰، ۳۹)

۲-۱- تحمیلی نبودن

یکی از دیگر ویژگی‌های نظام سیاسی اسلام، اختیاری بودن آن است و همگان در انتخاب آن آزادند و کسی حق ندارد آن را به اجبار به دیگران تحمیل نماید. از این رو امامت چه در عصر رسالت و چه در زمان حضور معصوم با آن که امری تعیینی بود، اما هرگز به کسی تحمیل نشد. شهید بهشتی در این خصوص می‌گوید: مکتب اسلام خطوط کلی و اصلی و راه سعادت و خوشبختی را به انسان نشان می‌دهد. و اگر انسان می‌خواهد این سیر مسیری الهی را به درستی طی نماید، باید متوسل به امامت شود. (بهشتی، ۱۳۹۰، ۴۰) همچنین اظهار داشتند: «این امامت تا وقتی که در حد پیامبر است - که با نشان ویژه و خاص از جانب خدا آمده - معین می‌شود. بنابراین گفته می‌شود امامت ابراهیم، امامت موسی، امامت محمد ﷺ اینان امام هستند و در دوره پس از پیامبر اسلام ﷺ امامان معصوم منصوب و منصوب‌اند ولی با اینکه تعیینی است، تحمیلی نیست» (بهشتی، ۱۳۹۰، ۴۰). ایشان شاهد مثال هم آوردند، برای نمونه به «مسلمان‌ها گفته می‌شود اطیعوا الرسول: باید از این پیامبر فرمان ببرید. تعیینی است، ولی تحمیلی نیست. چون وقتی مسلمانان به فرزند عبدالله به عنوان نبی الله و رسول الله معتقد شدند و ایمان آوردند، زمینه قبول اطاعت او را با خود در دل دارند. تعیینی هست ولی تحمیلی نیست».

بنابراین هنگامی که امامت امام معصوم و منصوب از طرف خداوند تحمیلی و اجباری نیست، پس به طریق اولی امامت حاکمان غیر معصوم و غیر منصوب تحمیلی و اجباری نیست، و دیگر اینکه در دوران غیبت امام معصوم، تعیینی هم وجود ندارد. و امامت در این دوران از روی شناخت و انتخاب می‌باشد. (هدایت نیا، ۱۳۸۲، ۶۴) رابطه امت و امامت از منظر ایشان این است که امت باید با شناخت فکری و آگاهانه امام و رهبر خود را آزادند انتخاب نماید و او را با تمام وجود بپذیرد. چون هیچ اجباری برای پذیرفتن وجود ندارد. و پس از پذیرفتن ارتباط بین آن‌ها به وجود می‌آید و این رابطه در دوران یک رابطه‌ی مشخصی است و نظام سیاسی اسلام هیچ رهبری را به کسی تحمیل نمی‌نماید. (بهشتی، ۱۳۹۰، ۴۱)

همچنین معتقد بودند که اگر ویژگی‌هایی که برای نظام سیاسی ذکر شد، حفظ شود، دیگر

نیازی به مدیریت جامعه و شکل حکومت نیست. در هر دوره‌ای به راحتی می‌توان شکل متناسب با نظام خود را پیدا کند و در دوره کنونی بهترین نوع حکومت نظام سیاسی جمهوری اسلامی می‌باشد و چه بسا امکان دارد که در آینده شکل‌های مناسب‌تری از حکومت ایجاد شود که متناسب با مقتضات آن زمان باشد. (هدایت نیا، ۱۳۸۲، ۶۵) در نهایت به نظر می‌رسد، نظام حکومتی در اسلام و مطلوب شهید بهشتی نظام امت و امامت است و رهبر یا کسی که در رأس امور است. (مهاجری، بی‌تا، ۳۴)

۲- بازخورد نظریه امت و امامت در الگوی جمهوری اسلامی

شهید بهشتی در مورد مفهوم جمهوری عقیده داشتند جمهوری، توده‌ای است، خلقی است، ناسی است، از عامه مردم است با توجه به این نظری می‌توان گفت از منظر ایشان مفهوم جمهور معادل خلق، توده و مردم است و مترادف با واژه «ناس» می‌باشد و این نوع حکومت عامه مردم و حکومت ملت می‌باشد. (بهشتی، ۱۳۹۰، ۱۲) نکته‌ای که نباید از آن غافل شد این است که جمهوری دارای اقسام گوناگون چون جمهوری کمونیستی، جمهوری دموکراتیک، و... دارد که جمهوری اسلامی از آن‌ها می‌باشد. اسلامی بودن حکومت ایران به این دلیل است که جمهوری‌اش بر پایه مکتب اسلام است. (بهشتی، ۱۳۹۰، ۱۵)

«ایشان در مورد حکومت جمهوری عقیده داشتند که حکومتی که زمامدارش از طریق اکثریت مردم و قسمت عمده مردم سرکار می‌آید» (بهشتی، ۱۳۹۰، ۱۴) و «جمهوری اسلامی نوع حکومتی است که با پذیرش و انتخاب آزادانه اکثریت ملت به قدرت می‌رسد و این یکی از اساسی‌ترین پایه‌های جمهوری اسلامی است». (بهشتی، ۱۳۹۰، ۱۹)

اصطلاح جمهوری اسلامی از شعارهای اولیه در سالهای نخستین انقلاب اسلامی بوده و به مرور رواج و گسترش پیدا نمود؛ تا اینکه پس از پیروی انقلاب شکوهمند ایران به عنوان نظام سیاسی مطلوب جامعه و نوع حکومت منتخب پذیرفته شد. و این واژه‌های جمهوری اسلامی دارای ویژگی‌های ارزشمندی می‌باشد که تاکنون مسبوق به سابقه در هیچ کشور و نظامی نبوده و حتی در طول تاریخ ذکری از این مفهوم نشده است و فاقد سلیقه حقوقی و

سیاسی می‌باشند. (هدایت نیا، ۱۳۸۲، ۵۷)

شهید بهشتی و همفکران او به ویژه حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه مبتکران طرز نوع حکومت یعنی جمهوری اسلامی بوده‌اند ولی ایشان تأکید ویژه‌ای داشتند که نوع حکومت باید جمهوری باشد. (هدایت نیا، ۱۳۸۲، ۶۷-۶۸) چرا که متکی به آراء مردم است و از همین رو می‌توان گفت حکومت مردم‌سالاری است.

شهید بهشتی مناسب‌ترین شکل و قالب برای نظام سیاسی اسلام را «جمهوری» دانست که به عنوان یک رکن در قانون اساسی نسبت به آن تأکید شده و نقش ملت را در موارد زیر به رسمیت شناخته شده است.

۱. انتخاب رهبر و زمامدار حکومت از سوی امت در دوران غیبت امام معصوم علیه‌السلام.
۲. انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی به صورت مستقیم و بدون واسطه از سوی امت (بهشتی، ۱۳۹۰، ۱۵-۱۳)
۳. انتخاب دستگاه قضایی به صورت غیرمستقیم (انتخاب امت از طریق امامت و رهبری).

«گویا مناسب‌ترین شکل نظام در زمان کنونی که الگوی نظام امت و امامت می‌تواند قابل انطباق بر آن باشد. شکل جمهوری می‌باشد». (جوان آراسته، بی تا، ۱۰۴)

در نهایت اصل اول کنونی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به این نحو متغیر یافته است و براساس آن نوع حکومت جمهوری اسلامی معرفی گردیده، بی‌تأثیر از اندیشه شهید بهشتی نبوده است.^۱

۳- تأثیر نظریه امت و امامت در قانون اساسی

در مقدمه قانون اساسی آمده است که «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین

۱. مشخصاً می‌توان گفت که در این دوران با توجه به ایدئولوژی‌های متعدد سال‌های اولیه انقلاب اسلامی چهار پیشنهاد در سطح افکار در رابطه با نوع حکومت مطرح بود. جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی، جمهوری سوسیالیستی دینی، جمهوری دموکراتیک، جمهوری اسلامی کنونی مندرج در اصل اول قانون اساسی، اگر نگوییم مستقیماً متأثر از اندیشه شهید بهشتی نبوده است، ولی باید اذعان داشت که تحت تأثیر اندیشه‌های چنین اندیشمندانی در قانون اساسی گنجانده شد.

نهادهای فرهنگی، سیاسی و... جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. و دیگر اینکه «حکومت از دیدگاه اسلام برخواسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست. بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید» و «زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج از کشور فراهم نماید» و «راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد». در همین راستا و بنا بر ولایت امر و امامت مستمر قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه را که منتخب ملت باشد به وجود می‌آورد. (جوان آراسته، همان، ۴۱۸)

در قانون اساسی اصول زیادی بیانگر نظام امت و امامت‌اند. این اصل عبارتند از:

۱. در اصل دوم قانون اساسی بند پنجم جمهوری اسلامی ایران، نظامی است برپایه ایمان به... (امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب و اسلام).
۲. در اصل سوم بند پانزدهم و شانزدهم که بر توسعه، گسترش و استحکام روابط بین همه جوامع اسلامی و برقراری وحدت بین همه مسلمانان و حمایت همه‌جانبه از ملت‌های مستضعف.
۳. اصل پنجم: در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و... است.
۴. اصل یازدهم: به حکم آیه کریمه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِي» همه مسلمان یک امتند...» در این اصل دولت موظف است سیاست‌های کلی خود را برپایه اتحاد بین ملت‌های امت اسلامی پایه‌ریزی نماید. تا بتواند زمینه وحدت را تحقق بخشد.
۵. اصل پنجاه و هفتم: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت اعمال می‌گردند.
۶. ذیل اصل یکصد و هفتاد و هفتم: که بیان می‌دارد «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام... ولایت امر و امامت امت... تغییرناپذیر است.

با نگاهی به این اصول می‌توان گفت که قانون‌گذار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا نظام «ولایت و امامت» را مورد توجه ویژه قرار داده است. شهید بهشتی از جمله رهبران تأثیرگذار در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی در ایران بود. ایشان با توجه به تجارب عملی ارزنده‌ای و همچنین ذهنیتی که داشتند از نوعی نظریه سیاسی سخن گفته که خود ایشان آن را نظریه امت و امامت گذاشتند و به تعبیر خودشان سیمای قانون اساسی ما مصداق آن می‌باشد (فیرحی، ۱۳۹۱، ۲۷۷-۲۷۸) وی معتقد بود که این نام را از آن جهت انتخاب نمود، چون مربوط به فرهنگ اسلام بود. چرا که تجربه این را ثابت کرده است که یک بار انقلابیون کشور ما این برای رهایی از استبداد و ظلم انقلاب کردند و بعد نام مشروطه را برای نظام انتخاب نمودند و آن طوری که انقلابیون و مردم آن دوره انتظار آن را داشتند مفید و مؤثر واقع نشد به این دلیل که عاریه‌ای بود و مربوط به فرهنگ اسلام نبوده به همین دلیل آن فقیه شهید در این اندیشه بود که نام را برای نظام انتخاب کند که برگرفته از فرهنگ اسلام باشد. از همین رو بود که نام نظام امت و امامت را برگزید. (بهشتی، ۱۳۹۰، ۳۹) «منتها در اثنای انقلاب چون این عنوان هنوز برای توده مردم روشن نبود، به عنوان شعار اول حکومت اسلامی انتخاب شد که بسیار هم خوب و گویا بود. سپس وقتی معلوم شد این نظام حکومتی رئیس جمهور هم دارد، آن وقت گفته شد جمهوری اسلامی. ولی نام راستین و کامل این نظام، نظام امت و امامت است، در رأس این نظام اصول عقیدتی و عملی اسلام براساس کتاب و سنت است.» (بهشتی، ۱۳۹۰، ۳۹) با توجه به این مطلب همه چیز از این جا نشأت می‌گیرد و صاحبان اصلی حق در این مکتب و این نظام همانا مردمند. براساس کتاب و سنت همه نظر مکتب به عامه مردم است و آنهایی که در میان مردم حول این مکتب جمع می‌شوند و سازمان می‌یابند، آن‌ها می‌شوند امت، و امت غیر از ناس است. ولی اسلام در خدمت همه مردم است و خیر و صلاح همه را می‌خواهد.

این نظام به سعادت همه جامعه بشری می‌اندیشد و امت از نظر مکتب اسلامی و مبانی عقیده و عمل اسلام به طور حتم نیاز به امامت دارد و امروز در این عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امامت تحمیلی و تعیینی نیست بلکه پذیرفتنی و انتخابی است از این رو با توجه

به مطالب فوق رابطه امت و امت در عصر مشخص است. با یکدیگر رابطه متقابل و تعهدآور دارند. (بهشتی، ۱۳۹۰، ۳۹) شهید بهشتی نظام امت و امامت را تنها حکومت مشروع دوران غیبت امام معصوم و منصوب می‌داند. (هدایت نیا، ۱۳۸۷، ۳۷)

شهید بهشتی در مورد امامت و خاتمیت گفتارهایی دارد که در آن به دو نقش وحی رسانی و الگوبودن پیامبر ﷺ تأکید می‌کند. این الگوبودن یک تعبیر دیگری از معنا و مفهوم امامت است. ایشان بین خاتمیت و امامت در اندیشه‌ی شیعه ملازمه‌ای می‌بیند و می‌گوید. (فیرحی، ۱۳۹۱، ۲۸۸) «این دو مورد مبنای امامت است و اینکه خاتمیت و امامت را در این دو بحث به هم مربوط کرد». (فیرحی، ۱۳۹۱، ۲۸۹)

شهید بهشتی با اشاره به لزوم استمرار رهبری در جامعه از وجوب حضور امامان معصوم سخن می‌گوید: و می‌افزاید که به ما چنین رهبری و پیشوایی نیاز داریم. و این نیاز ادامه می‌یابد تا زمانی که وجود چنین رهبری با توجه به خصلت خاص اجتماع محال باشد. و این به مسأله خاتم‌الائمه بودن در زمان امام حسن عسگری علیه السلام ر می‌گردد و امامت در اختیار مردم به پایان می‌رسد و تبدیل می‌شود به امام غائب و این اشاره تمام اندیشه ایشان را در باب امامت و خاتمیت را نشان می‌دهد (فیرحی، ۱۳۹۱، ۲۸۹) و «تأکید او بر دو عنصر تعیین‌کننده، یعنی علم مصون از خطا نسبت به شریعت و نیز خصلت الگوبودگی امام است». (فیرحی، ۱۳۹۱، ۲۸۹)

شهید بهشتی با این بررسی و تحلیلی که داشت به رابطه اجتهاد و رهبری و همچنین به بحث ولایت فقیه در دوره‌ی غیبت می‌پردازد. که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

در اندیشه شهید بهشتی در دوره غیبت بین اجتهاد، مرجعیت و رهبری رابطه وجود دارد و به نظر او مرجعیتی که ما شیعیان در عصر غیبت بدان معتقدیم باید دارای شرایط علم و آگاهی، عدالت و تقوا داشته باشد. زیربنایش این است که مقداری از اثر امام معصوم علیه السلام که مصون از خطا و لغزش است. زمامدار است و رهبر سیاسی مردم می‌باشد و در زمان غیبت باید به زمامداری کسی را بپذیریم که اگر در دوران امام معصوم علیه السلام زندگی می‌کرد حداقل او به فرمانروایی می‌رسید. (فیرحی، ۱۳۹۱، ۲۸۹)

بنابراین ایشان نتیجه می‌گیرد که از دید شیعیان (بین مسأله امامت و خاتمیت) و مسائل مربوط به زمامداری و مرجعیت ارتباط مستقیم هست و دیگر اینکه وی این دیدگاه را مبنای دفاع خود در تصویب اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸) قرار داده است. که در ادامه به طور مفصل در پاره این اصل که مربوط به ولایت فقیه می‌باشد به توضیح آن می‌پردازیم. (فیرحی، ۱۳۹۱، ۲۹۰)

نظام مورد نظر شهید بهشتی نظام امت و امامت بود و آن را تنها حکومت مشروع دوران غیبت امام معصوم و منصوب می‌داند. مفهوم نظام امامت در مکتب اسلام، نظامی است که زمامدار و رهبر جامعه یا مستقیماً واسطه از جانب خدا منصوب می‌شود، همانند امامت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که به صورت مستقیم از سوی خداوند به رهبری جامعه اسلامی منصوب شدند و این مورد تأیید شیعه و سنی می‌باشد. (هدایت نیا، ۱۳۸۲، ۵۹)

ایشان معتقد بود که اسلام نظام سیاسی خاصی برای دوران غیبت دارند. که با هیچ نظامی سیاسی قابل تطبیق نمی‌باشد. که از آن به نظام امت و امامت تعبیر کرده است. (هدایت نیا، ۱۳۸۲، ۵۸) خود ایشان در جلسه شصت و ششم بررسی نهایی تدوین قانون اساسی در خصوص نظام سیاسی آینده کشور این چنین ابراز بیان نمود که: «ما برای نظام آینده بهترین نامی که می‌توانیم انتخاب بکنیم، همان نام اصیل اسلامی است، نظام امامت و امت و امامتی که همین طور از نظر واژه و ریشه با هم یک ریشه دارند و از یک مصدر هستند و در مقام عینیت هم یکی هستند و این است آرزوی بزرگ ما» (اداره کل امور فرهنگی مجلس، ۱۳۶۴، ۱۸۳۶)

وی به نظام سیاسی که از فرهنگ دیگری اخذ شده باشد برای مکتب اسلام کارآمد نمی‌دانست. چرا که به ایرانیان یک بار در گذشته این امر را تجربه نمودند. زمانی که بساط نظام سلطنتی را از بین بردند و نظام مشروطه را جایگزین آن نمودند. اما نظام مشروطه به دلیل خاصیت عاریتی، ناهمگونی با فرهنگ اصیل اسلامی و مکتب تشیع کارآمد واقع نشد. از این رو مبنای فکری ایشان مبنای نظام امت و امامت بود. اما به دلیل اینکه در هنگام انقلاب، این عنوان هنوز برای اکثریت مردم روشن نبوده به عنوان شعار اول حکومت اسلامی انتخاب

شد که خیلی هم قابل فهم و درک بود و بعد از آن هم هنگامی که مشخص شد کسی نظام حکومتی رئیس جمهور هم می خواهد، آن زمان گفته جمهوری اسلامی. ولی نام اصلی که حقیقی و کامل این نظام، نظام امت و امامت است. (بهشتی، ۱۳۹۰، ۳۹)

موضع شهید بهشتی در مورد نظام امت و امامت در طول تاریخ یک اصل و سند زنده ای است و از آنجایی که ایشان معتقد بودند که امامت حضرت علی علیه السلام به عنوان امام و رهبر جامعه اسلامی بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می باشد. و این به سبب خویشاوندی آن حضرت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نبوده است. چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خویشاوندان زیادی داشتند و پس از رحلت ایشان، بسیاری از بستگان او زنده بودند، حال با توجه به زمامداری حضرت علی علیه السلام بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باید گفت که در مقام امامت بحث انسان ممتاز و با درایت و نمونه کامل اسلامی مطرح است. و این مفهوم تا روز قیامت هم زنده است. بنابراین در جامعه اسلامی رهبر و زمامدار حکومت باید نمونه تمام عیار و تجلی الگوی اسلامی باشد. و در انتخاب ایشان باید معیارها رعایت شود و اگر گزینه‌ی مطلوب پیدا نشد، حداقل باید نسبی عمل نمود و معیار اول را مکتب قرار داد. و روی این معیار و اصل باید پایدار و مقاوم بود که مدیریت و رهبری جامعه‌ی اسلامی باید در خطی باشد که متضمن تجلی اسلام راستین باشد. و دیگر اینکه عقیده داشت که امامت و رهبری جامعه اسلامی مختص فقیه توانای آگاه به زمان، عادل با تقوا، شجاع و با تدبیر است و جامعه مکتبی جامعه‌ای است که براساس امامت و ولایت فقیهی با چنین شرایطی اداره می شود. (بهشتی، ۱۳۹۰، ۴۹)

نتیجه‌گیری

قانون اساسی حاصل زحمات و آراء نخبگان یک جامعه در جهت برنامه‌ریزی و تثبیت امور جامعه برای نیل بروضعیتی مطلوب است. بدون شک شهید بهشتی از نظریه پردازان ارزنده و برجسته قانون اساسی می باشد و آراء و اندیشه‌های ایشان در قانون اساسی منعکس است و با مطالعه آثار و نوشتار به خوبی می توان مضامین قانون را شناخت. در این مقاله سعی گردید ضمن اشاره به رویکرد شهید بهشتی در مورد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظریه معروف

امت و امامت که در چارچوب و منبای آراء شهید بهشتی در نظام حقوقی ایران مطرح و توسعه یافت اشاره گردد. در مورد قانون اساسی شهید بهشتی بر این باور بود که این قانون بر پایه رأی قاطع مردم که نوع حکومت ایران، جمهوری اسلامی است تهیه و تنظیم شده است. و باید در جهت مصالح همه آحاد ملت شریف ایران اسلامی به کار گرفته شود و منافع همه اقشار و گروه‌ها را تأمین نماید.

از نظر شهید دکتر بهشتی نظام سیاسی در دوران غیبت امام معصوم علیه السلام، نظام امت و امامت است. چرا که معتقد بود این نظام همانند نظام مشروطه عاریه‌ای و متأثر از فرهنگ غرب نبود بلکه مربوط به فرهنگ اسلام است و هیچ نظامی با آن قابل مقایسه نیست. نظامی که مکتبی بودن و تحمیلی نبودن از مهم‌ترین ویژگی‌های آن محسوب می‌گردد و دیگر اینکه در رأس نظام سیاسی مورد نظرایشان اصول کلی و عمل اسلام بر اساس کتاب و سنت است و کسی که در رأس این نظام مطلوب قرار می‌گیرد باید همانند پیامبران همفکر و همراه مردم باشد به گونه‌ای که هیچ فاصله‌ای میان وی و عامه مردم نباشد.

منابع

۱. اداره کل امور فرهنگی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
۲. انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید، بهشتی او به تنهایی یک امت بود، جلد اول، ۱۳۶۱، صص ۲۳۷-۲۳۶. ایروانی، احمد، "بازخوانی و تحلیل قانون اساسی"، مجله کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۴-۲۳، مهر ۱۳۸۷.
۳. آشوری، آشوری، دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)، چاپ چهارم، تهران: نشرروادید، ۱۳۸۶.
۴. بهشتی، سید محمد، مبانی نظری قانون اساسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات بقعه، ۱۳۹۰.
۵. بهشتی، سید محمد حسین، حزب جمهوری اسلام، تهران: نشرروزنه، ۱۳۹۰.
۶. بهشتی، سید محمد حسین، مبانی نظری قانون اساسی، چاپ چهارم، تهران: نشر بقعه، ۱۳۹۰.
۷. جوان‌آراسته، حسین، "جمهوریت و اسلامیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، حکومت اسلامی، سال یازدهم، شمار اول، (بی تا).
۸. رضوی، مسعود "لحظه به لحظه عمری پرماجرا، مروی کوتاه بر زندگی آیت الله سید محمد حسین بهشتی"، نشریه فرهنگ و هنر سوره، شماره ۳۳، تیر و مرداد ۱۳۸۶.
۹. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ج اول، تهران: مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
۱۰. فیرحی، داود، "رهبری و حکومت در شهید بهشتی، نظریه امت و امامت"، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، ۱، ۱۳۹۱.
۱۱. مهاجری، مسیح، "مدیریت و رهبری از دیدگاه آیت الله شهید بهشتی"، فصلنامه مصباح، سال پنجم، شماره ۱۸، (بی تا).

۱۲. نیکو نهاد، حامد، نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب نظریه امت و امامت، رساله دکترای حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۴.
۱۳. هدایت‌نی گنجی، فرج‌الله، «امر آنارشیسم جمهوریت تک سالار، طبقه‌بندی نظام‌های سیاسی از دیدگاه شهید بهشتی»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال دوم، شماره ۱۴، آبان ۱۳۸۲.
۱۴. هدایت‌نیا گنجی، فرج‌الله، اندیشه‌های حقوقی شهید بهشتی، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر، ۱۳۸۲.